

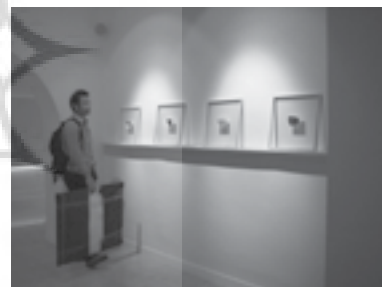


یادداشتی بر نمایشگاه عکس محمدغزالی با عنوان: «تهران، کمی مایل به راست»

پولاروید ، عکس‌هایی برای تمام فصول!

هدی رفاهی

کارشناس نقاشی



از درِ گالری «اثر» که وارد شوید ، با فضایی کاملاً سفید ، بکدست و آرام مواجه می‌گردید. گوشه‌ی دیوار ، بیوگرافی عکاس با سلف پرتزه‌ای^[۱] از او دیده می‌شود. برای شروع بازدید از نمایشگاه به سمت اولین تالار که بروید حتماً غافلگیر خواهید شد! عکس‌ها با قطع ۸/۵ در ۱۰/۵ سانتیمتری ، تقریباً ناواضح و از رنگ افتاده می‌بینید که فقط بخش‌های کمی از تصویر آن باقی مانده است. تکنیکی که عکاس برای این سری از کارهایش انتخاب کرده ، چاپ بر روی کاغذهای تاریخ مصرف گذشته‌ی دوربین‌های پولاروید است. من فکر می‌کنم قطعاً هیچ انتخابی از این شایسته‌تر نمی‌توانست باشد زیرا این قطع چاپ ، خاکستری‌ها ، تصاویر کم نور ، حاشیه‌ی سفید پهن دور تصویر و ... همگی جزئی از زیبایی‌شناسی دوربین‌های پولاروید است که فقط در نسل خود عکاس ، مفهوم نوستالژیک خود را پیدا می‌کند. قطعاً بسیاری از عکس‌های دوران کودکی این نسل ، با همین دوربین‌ها ثبت شده و این خود حاوی پیامی از عکاس به مخاطبانش است. او با خلق این تصاویر ما را به سرعت به رهگذرهای پیچ در پیچ و مبهم خاطرات گذشته‌مان می‌برد.

محمد غزالی ، عکاس این مجموعه ، متولد ۱۳۵۹ در تهران می‌باشد. وی لیسانس عکاسی از دانشکده‌ی هنر و معماری دانشگاه آزاد تهران و گذشته‌ای پر از فعالیت‌های هنری موفقیت‌آمیز دارد. مجموعه‌ی «تهران ، کمی مایل به راست» که در تاریخ بیستم اردیبهشت ماه در گالری اثر افتتاح شد ، شامل عکس‌هایی است در اندازه‌های کوچک ، که مسأله‌ی اصلی‌شان شهر تهران است. دوربین همواره روبه سوی یک خیابان است که با پرسپکتیوی عمیق به سمت یک نقطه‌ی متمرکز می‌رود. آثار

۱- عکسی که فرد از خودش می‌گیرد ، مانند استفاده از آئینه برای ثبت تصویر خود عکاس.

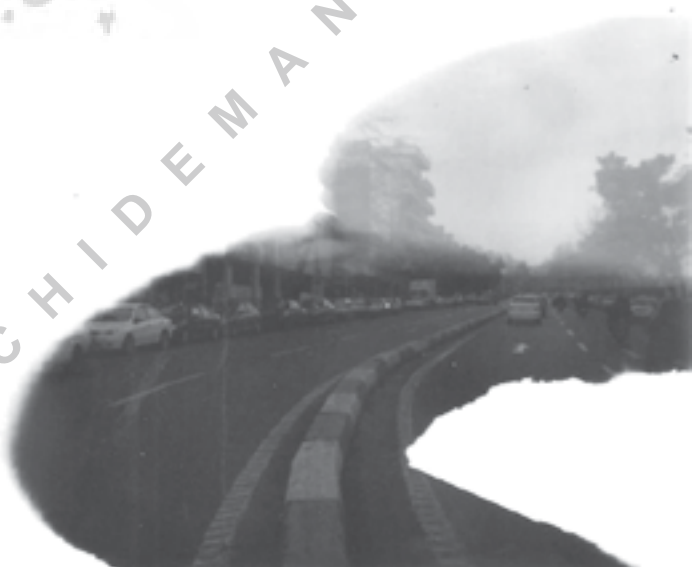


غزالی در این مجموعه نوعی مستند واقعیت نگارانه و مفهومی است. ویژگی منحصر به فرد این عکس‌ها، تکه پاره بودن آن‌هاست. بخش‌هایی از تصاویر ظاهر نشده‌اند و نمای کلی عکس درهم و بریده بریده به نظر می‌رسد که این خود، نوعی رمزگشایی به تصاویر می‌بخشد، زیرا بیننده مدام پی چیزی در پشت تکه‌های سفید می‌گردد یا در ذهن خود آن‌ها را تکمیل می‌کند. دور تا دور عکس‌ها با آن حاشیه‌های نامشخص و زردی لبه‌ها، تأکید بیشتری بر تاریخ مصرف گذشته‌گی فیلم‌های عکاسی پولاروید دارد. گاهی می‌شود در لابه‌لای این تصاویر ناواضح، از شهرت نمای یک ساختمان (مثلاً سردر دانشگاه تهران) یا چیزی شاخص در خیابان (مثلاً چنارهای خیابان ولیعصر)، پی به مکان جغرافیایی عکس‌ها برد، اما در عین حال این اصلاً اهمیتی ندارد و همین عدم قطعیت موقعیت‌ها و بخش‌های حذف شده از تصویر کامل است که این عکس‌ها را همچون پازلی رو بروی بیننده می‌گذارد.

در این نمایشگاه، همه چیز می‌خواهد مخاطب را به عقب بازگرداند، به روزهای عکس سیاه و سفید، به دوربین‌های پولارویدی که حالا بعد از گذشت این سال‌ها به عکس‌هایش که نگاه می‌کنید دقیقاً همین قدر تاریخ مصرف گذشته و از رنگ و رو افتاده‌اند.

ناواضحی عکس‌ها مانند خاطرات مبهم است و تکه پارگی‌شان هم مثل خاطرات دورترند که فقط گوشه‌هایی از آن را به یاد می‌آوریم. غزالی فقط نمایشگاه عکاسی برپا نکرده، بلکه با به کارگیری چندین رسانه، خود را در جایگاه هنر چند رسانه‌ای قرار داده است، چرا که موسیقی هم نقش پررنگی را در این تعلیق و یادآوری خاطرات به عهده دارد. در حین بازدید از نمایشگاه، نواهای مبهم و ناپیوسته‌ای به گوش می‌رسد، مثل اینکه کسی رادیوی قدیمی را روشن کرده و مدام با چرخاندن پیچ، امواج رادیو را تغییر می‌دهد و همه‌همه‌ای از صداها و کلمات می‌سازد. آن طرف‌تر هم روی دیوار، کلماتی از قول عکاس نوشته شده است که دغدغه‌اش را نسبت به گم کردن چیزهایی در گذشته با به یاد آوردن آن‌ها بیان می‌کند.

این عکس‌های کوچک در حاشیه‌ی پهن شیشه‌ای، قاب گرفته شده است. وقتی رو بروی آن‌ها می‌ایستید، می‌بینید تصویر خودتان نیز در شیشه منعکس و با تصویر عکس‌ها ادغام شده است. نمی‌دانم در این اتفاق، عمدی هم هست یا نه اما به هر حال موقعیت شگفت‌انگیزی است که بیننده را در جهت مفاهیم مورد نظر عکاس یاری می‌کند. انگار خودمان هم در این تجربه‌ی یگانه، در دیدار از این نماهای ساده و خلوت سهیم می‌شویم. حتماً بسیاری از ما در همان خیابان‌ها راه رفته‌ایم. این عکس‌ها همچون پرسه‌های مادر این شهر بی‌انتهای گیج‌کننده و خیال‌انگیز است. در اغلب این آثار، از حضور انسان در خیابان خبری نیست. کوچه‌ها خالی از هر موجود زنده‌اند. ماشین‌های بی‌حرکت و پارک شده در کنار خیابان بیشتر بر این حس رکود و رخوت تأکید می‌کنند. عکاس، گویی می‌خواهد آنچه را که از دریچه‌ی دوربینش دیده است با طرحی متفاوت، از نو بنا کند و با ساختن تکه پاره‌هایی از مناظر شهری، رویکردی منحصر به فرد و مفهومی به شهر تهران داشته باشد. او مخاطبانش را صادقانه و بی‌پروا با دغدغه‌هایش رو برو می‌کند و از آن‌ها دعوت می‌کند به یادآوری خاطرات مشترکشان ■



WWW.CHIDEMANMAG.COM